

مروری مستند بر حوادث تشیع (جلد اول)

www.ketab.ir

تألیف
دهقان نظری



انتشارات آزادی قلم

فهرست مطالب

۱۹.....	مقدمه
۲۷.....	سپاسگزاری
۲۹.....	بخش اول: ماه محرم الحرام
۳۰.....	اول ماه محرم الحرام
۳۰.....	۱. آغاز ایام حسینی
۳۱.....	۲. ماجرای شعب ابی طالب علیه السلام
۳۱.....	- دلایل امضای پیمان نامه قریش
۳۵.....	- معجزه خورده شدن پیمان نامه قریش توسط موریانها
۳۶.....	- پشیمانی بعضی از سران قریش از امضای پیمان نامه
۳۸.....	۳. جنگ ذات الرقاع
۴۰.....	۴. سریه ابوسلمه بن عبدالأسد
۴۱.....	۵. اولین جمع آوری زکات
۴۲.....	۶. منزلگاه مقاتل (سال ۶ هجری قمری)
۴۳.....	- وقایع روی داده در این منزلگاه
۴۳.....	- گفتگوی امام حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر در قصر بنی مقاتل
۴۴.....	۷. قیام مردم مدینه بر علیه یزید
۴۴.....	۸. کلام عاشورایی امام رضا علیه السلام
۴۵.....	۹. آغاز خلافت عثمان
۴۵.....	- تشکیل شورای ۶ نفره
۴۵.....	- چگونگی انتخاب خلیفه
۴۶.....	- آنچه در شورا گذشت
۴۸.....	۱۰. واقعه مرج صفر در شام
۴۹.....	۱۱. وفات محمد حنفیه فرزند امیرمؤمنان
۵۳.....	- کیسانیه
۵۳.....	دوم ماه محرم الحرام (ورودیه)
۵۳.....	۱. ورود امام حسین علیه السلام به کربلا
۵۵.....	- ورود به کربلا
۵۷.....	سوم ماه محرم الحرام
۵۷.....	۱. نامه امام حسین علیه السلام برای اهل کوفه و شهادت قیس بن مسهر
۵۹.....	- ماجرای قیس بن مسهر صیادی
۶۰.....	۲. ورود عمر بن سعد به کربلا جهت مبارزه با امام حسین علیه السلام
۶۳.....	چهارم ماه محرم الحرام

۶۳	۱. تشویق مردم علیه امام حسین (ع) توسط عبدالله ابن زیاد به استناد به فتوای شریح قاضی
۶۴	پنجم ماه محرم الحرام
۶۴	۱. آغاز سریه عبدالله بن ابیسی
۶۴	- سریه «عبدالله بن آنیس» جهنی برای کشتن «سفیان بن خالد بن نبیح هذلی لخیانی»
۶۸	۲. رسیدن شبت بن ربیع به کربلا
۶۸	- شبت بن ربیع تمیمی؛ سرگردان بین جبهه حق یا باطل
۷۲	ششم ماه محرم الحرام
۷۲	۱. یاری طلبیدن حبیب بن مظاهر از بنی سعد
۷۳	۲. اولین محاصره فرات در کربلا
۷۴	۳. تراکم لشکر یزید در کربلا
۷۴	۴. وفات مرحوم سیدرضی رحمه الله
۷۵	هفتم ماه محرم الحرام
۷۶	۱- نامه عبیدالله بن زیاد به عمر بن سعد مبنی بر سخت گیری بر امام حسین (ع)
۷۸	۲. نامه عبیدالله بن زیاد به امام حسین (ع)
۷۹	هشتم ماه محرم الحرام
۷۹	۱. قحط آب در خیمه های حسینی
۷۹	۲. دیدار امام حسین (ع) با عمر بن سعد
۸۲	- ملاقات با عمر سعد
۸۴	- مذاکره امام حسین (ع) با عمر سعد
۸۶	نهم ماه محرم الحرام
۸۶	۱- ورودشمر بن ذی الجوشن به کربلا و محاصره خیمه ها
۹۰	۲- امتناع حضرت عباس و برادرانش از پذیرش امان نامه دشمن
۹۱	۳. درخواست تأخیر جنگ از سوی امام حسین (ع)
۹۲	۴. دور اندیشی و تدبیر امام حسین (ع) در شب عاشورا
۹۲	۱- خطبه امام حسین (ع)
۹۳	۲. سفارش امام حسین (ع) به خواهرش زینب کبری (ع)
۹۴	۳. تنظیم امور خیمه گاه
۹۴	۴- عبادت و تهجد
۹۴	دهم ماه محرم الحرام
۹۴	عاشورا واقعه جانگداز کربلا
۹۵	۱. تنظیم صفوف سپاه
۹۵	۲. موعظه های امام حسین (ع)
۹۵	۳. ندامت حربن یزید
۹۷	۴. هجوم سراسری دشمن
۹۷	۵. نبرد انفرادی
۹۸	۶ نماز ظهر عاشورا

۹۸	۷. شهادت سایر یاران امام حسین علیه السلام
۹۸	۸. مبارزه و شهادت امام حسین علیه السلام
۹۹	۲- سپردن سر امام حسین علیه السلام به خولی
۹۹	۳. جنایات سپاه عمر بن سعد در عصر عاشورا
۹۹	- غارت خیمه‌های حسینی
۱۰۰	- آتش زدن خیمه‌ها
۱۰۰	- اسب‌دوانی بر پیکر شهیدان
۱۰۰	- ارسال سر مقدس امام حسین علیه السلام به کوفه
۱۰۱	۴. شهادت ۷۲ تن از اصحاب و بنی‌هاشم با امام حسین علیه السلام
۱۰۱	- شهادت حضرت عباس
۱۰۱	- شهادت علی‌اکبر
۱۰۲	- شهادت علی‌اصغر
۱۰۲	- شهادت حر
۱۰۲	- حوادث عصر عاشورا
۱۰۳	- شهادت علی‌اکبر علیه السلام
۱۰۵	- شهادت قاسم علیه السلام
۱۰۷	- شهادت عباس علیه السلام
۱۰۹	- شهادت علی‌اصغر علیه السلام
۱۱۰	- شجاعت‌های امام علیه السلام در روز عاشورا
۱۱۱	- وداع آخر
۱۱۲	- شهادت امام علیه السلام
۱۱۶	- غارت خیام
۱۱۸	۵- قتل عبیدالله بن زیاد به دست سپاهیان مختار ثقفی
۱۲۱	- رویارویی با سپاه مختار
۱۲۲	- مرگ ابن زیاد
۱۲۲	۶- وقوع سربه قرطاء
۱۲۴	۷. وقایع شب یازدهم محرم الحرام
۱۲۴	- شام غریبان کربلا
۱۲۵	یازدهم ماه محرم الحرام
۱۲۵	۱. حرکت کاروان اسراء از کربلا
۱۲۶	۲- تشکیل مجلس ابن‌زیاد
۱۲۷	- گفتگوی زینب کبری علیها السلام و ابن‌زیاد
۱۲۸	- گفتگوی امام سجاد علیه السلام و ابن‌زیاد
۱۲۹	۳. حرکت اهل بیت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه
۱۳۰	دوازدهم ماه محرم الحرام
۱۳۰	۱. دفن شهدای کربلا
۱۳۰	- دفن شهدای کربلا

مقدمه

تاریخ به دلیل اهمیت و ارزش‌اش در اسلام مورد توجه خاص مسلمانان قرار گرفته است. بی‌شک، شیعیان و رهبران گران‌قدر شیعه نیز از ارزش و اهمیت آن غافل نبوده‌اند و حتی با انگیزه‌های قوی توجه خود را به تاریخ معطوف داشته‌اند؛ چراکه بخش قابل ملاحظه‌ای از قرآن کریم درباره حوادث تاریخی است. قرآن هم‌چنین به پیروان خود تأکید می‌کند به این حوادث و امثال آنها توجه داشته باشند و آن‌گونه که خود قرآن تصریح می‌فرماید، هدف از ذکر این حوادث در یک عبارت خلاصه می‌شود و آن «عبرت گرفتن» و انتخاب راه صحیح برای زندگی کردن است. در این راستا، رهبران دینی ما بر توجه به تاریخ تأکید داشته‌اند. به عنوان نمونه، امام علی (ع) در نامه معروفش به امام حسن (ع) به صراحت بر توجه به تاریخ گذشتگان و ارزش معنوی آن تأکید می‌فرماید: «پسرکم! من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام؛ اما در کارهاشان نگرسته و در سرگذشت‌هایشان اندیشیده‌ام و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده‌ام تا چون یکی از آنان شده‌ام، و با آگاهی‌هایی که از کارهایشان به دست آورده‌ام، گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سربرده‌ام».^۱

می‌توان گفت اگر تاریخ وسیله‌ای برای فهم قرآن و ساختن انسان‌ها و حفظ سیره و سنت عملی پیامبر (ص) باشد، اهل بیت (علیهم‌السلام) حضرت (ص) و پیروان آنها باید از این وسیله بیشترین استفاده را برده باشند و اگر تاریخ می‌تواند گذشته سیاه خاندان اموی و همفکران و همراهان آنها را برای امت اسلامی روشن کند تا فریب ریاکاری‌های آنها را نخورند، به یقین، ائمه و پیروان آنها از آن استفاده کرده‌اند و می‌کنند.

با وضعیتی که از نظر سیاسی بر جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) حاکم بود، امکان بیان حقایق کمتر وجود داشت؛ زیرا طرفداران حق، به خصوص شیعیان، تحت انواع فشارهای سیاسی، نظامی و تبلیغاتی قرار داشتند.

درباره مشکلاتی که در زمینه تاریخ‌نگاری صحیح، به طور خاص، متوجه شیعیان بود، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

^۱ سید جعفر شهیدی، نهج البلاغه: نامه ۳۱، ص ۲۹۷.

۱- مسائل سیاسی

مهم‌ترین مشکل شیعیان در زمینه نگارش صحیح تاریخ فشار سیاسی موجود در جامعه اسلامی بود و مشکلات دیگر ناشی از آن بوده‌اند. با رحلت پیامبر ﷺ گرامی اسلام و به‌خصوص پس از دوران خلافت، حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی در مقابل راه و سیره پیامبر ﷺ قرار گرفت. در نتیجه، ائمه معصومین علیهم‌السلام و شیعیان آنها که خود را به حفظ، نگهداری و تداوم اسلام محمدی و اصیل موظف می‌دانستند، قهراً در مقابل حاکمیت سیاسی قرار گرفتند. لذا، در مرحله اول شیعیان به ثبت تاریخ حاکمیتی که با آنان دشمن بود، رغبتی نشان نمی‌دادند و در مرحله دوم، اگر می‌خواستند تاریخ این حاکمیت را برای افشاگری و روشنگری ثبت کنند با فشار نظامی روبه‌رو می‌شدند. به‌همین دلایل حاکمان ظالمی که بر مسلمانان حکومت می‌کردند با قدرتی که در اختیار داشتند، تاریخ را آن‌گونه که خود می‌خواستند، نوشته‌اند و تاریخ این حقیقت تلخ را برای ما بیان کرده است.

این نمونه‌ای کوچک از تحریف تاریخ و اعمال زور و قدرت در نوشتن تاریخ است و شاید بسیاری از این نمونه‌ها را در تاریخ بتوان پیدا کرد.

۲- فشار نظامی

با انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی، تنها گروهی که درصدد جلوگیری بیشتر و اصلاح آن برآمدند، شیعیان بودند. بنابراین، سعی دستگاه حکومت بر این بود که به هر نحو ممکن این مانع را از سر راه خود بردارد؛ از جمله متوسل به زور شدند و با این وسیله سعی کردند ریشه تفکر انقلابی شیعه و حتی نام آن را از صحنه روزگار براندازند. لذا نفس شیعه بودن جرم محسوب می‌شد و شیعیان علی‌علیه را در هر جا که پیدا می‌کردند، می‌کشتند. شرح جنایاتی که بر شیعیان رفته است، به کتاب‌های بسیاری احتیاج دارد.

در چنین شرایطی، نگارش تاریخ صحیح اسلام از مشکل‌ترین کارها بود؛ زیرا تاریخ اسلام را بدون فضایل محمد ﷺ و علی ﷺ و خانواده علیهم‌السلام آنها مگر می‌توان نوشت؟! حقایق و وقایعی همچون شخصیت بزرگ و والای پیامبر ﷺ، سبقت علی ﷺ در اسلام، فداکاری‌های او و پدرش در مکه در حمایت از پیامبر ﷺ، به‌خصوص شجاعت و شهادت علی ﷺ در «لایله‌المبیت» و ایثار حضرت در مدینه و در غزوات پیامبر ﷺ، علم و حکمت حضرت، املمت و نصب وی به جانشینی پیامبر ﷺ، غصب خلافت، شهادت حضرت زهرا علیها‌السلام، دختر گرامی پیامبر ﷺ و از طرفی دشمنی‌های قریش به‌خصوص خاندان

ابوسفیان با اسلام و پیامبر ﷺ تاریخ اسلام را تشکیل می‌دهند. نقل همه این‌ها جرم بود و باید به فراموشی سپرده می‌شدند؛ زیرا معاویه و همفکران او می‌خواستند نام پیامبر ﷺ را از صحنه روزگار محو کنند و اسلام را از بین ببرند. با این هدف چگونه می‌توانستند حقایق را تحمل کنند؟!

مطرف پسر مغیره بن شعبه می‌گوید: ... پدرم معمولاً پیش معاویه می‌رفت و با او صحبت می‌کرد. وقتی از نزد معاویه برمی‌گشت از چیزهایی که از معاویه می‌دید و در نظرش بزرگ می‌نمود، برایم صحبت می‌کرد. یک شب که از پیش معاویه بازگشت از خوردن شام پرهیز کرد. دیدم بسیار غمگین است. ساعتی منتظر شدم، گمان کردم حادثه‌ای برایمان رخ داده است. از او سؤال کردم چه شده که تو را غمگین می‌بینم؟ پدرم در جواب گفت: از نزد کافرترین و خبیث‌ترین مردم می‌آیم. هنگامی که با او (معاویه) تنها بودیم به او گفتم ای امیرالمؤمنین! تو پیرشده‌ای، اگر با عدالت رفتار کنی و کارهای خیر را گسترش دهی، بزرگی کرده‌ای و اگر توجهی به بنی‌هاشم کنی (کمتر به آنها ظلم کنی) صلّه رحم کرده‌ای. قسم به خدا، امروز آنها دیگر چیزی ندارند که از آن بکوسی و این کار (صلّه رحم) هم ثواب دارد و هم باعث می‌شود نامت به نیکی باقی بماند.

معاویه در جواب گفت: «هیئات، هیئات! امید بقای کدام نام نیک را داشته باشم؟ ابوبکر حکومت را به دست گرفت و به عدالت رفتار کرد و کرد آنچه می‌بایست بکند. اما همین که مُرد نامش هم از میان رفت؛ شاید کسی بگوید ابوبکر! سپس عمر حکومت را به دست گرفت. ده سال کوشید و سختی به خرج داد؛ اما همین که مُرد نامش هم از صحنه روزگار برافتاد؛ شاید کسی بگوید: عمر! اما روزی پنج بار نام ابن ابی‌کبشه (مراد پیغمبر ﷺ است) را فریاد می‌کنند: «أشهد أن محمداً رسول الله». پس با این وضع، کدام عمل و یادی از من دوام خواهد داشت بی‌پدر؟ نه، قسم به خدا، باید این نام (محمد) یا دین را دفن کنم، دفن کردنی!»^۱

معاویه پس از استقرار در قدرت به والیان خویش بخشنامه کرد که «هرکس فضیلتی از علی ﷺ نقل کرد او را بکشید؛ خونش هدر و ذمه خویش را از آن بری دانستم.»^۲

خالد بن عبدالله قسری از ابن‌شهاب زهری درخواست کرد سیره را تدوین کند. ابن‌شهاب گفت: احیاناً در لابه‌لای سیره از امیرالمؤمنین علی ﷺ سخن به میان می‌آید؛ آیا با وجود این، می‌توانم به

^۱ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه: ج ۵، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

^۲ أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۲۷.

این کار دست یازم؟ خالد گفت: اگر ذکر نام آن حضرت با آمیزمای از خرده گیری باشد، مانعی ندارد.^۱ در فضایی این چنین، مورخان شیعه مانند یعقوبی، مسعودی و دیگران مجبور بودند از کنار حقایق تاریخ یا با سکوت بگذرند یا بسیار کمرنگ و در لفافه به نقل آنها بپردازند. در این مورد، به طور خلاصه باید سخن بعضی از بزرگان درباره علی (ع) را گفت: در مورد او چه می توان گفت که دشمنانش از حسادت و دوستانش از ترس، فضایل او را کتمان کرده اند! خوارزمی می گوید: بعضی از شعرای شیعه که در مناقب علی (ع) یا حتی درباره معجزات پیامبر (ص) صحبت می کنند و حرف می زنند زبانش را قطع و دیوانش را پاره می کنند. هارون، پسر خیزران، (مقصود واثق خلیفه است) و جعفر متوکل در صورتی به کسی عطا و بخشش می کردند که به آل ابی طالب (ع) دشنام گوید؛ مانند عبدالله بن مصعب زبیری، وهب بن وهب بختری، مروان بن ابی حفصه و دیگران.^۲

این مسئله فقط به حضرت علی (ع) اختصاص ندارد؛ بلکه بسیاری از حقایق تاریخ اسلام به خصوص آنچه به تشیع مربوط می شود، به چنین سرنوشتی دچار شده است. هم چنین این مشکل به زمان بنی امیه و بنی مروان اختصاص نداشته است؛ زیرا بنی عباس در ظلم و ستم به شیعیان نه تنها عقب نماندند؛ بلکه به مراتب، ظالمانه تر برخورد کردند. وجود این فشارها مسئله «تقیّه» و کتمان عقاید را مطرح کرد. خطر به قدری جدی و حاد بود که احادیث شدیدالحنی درباره وجوب تقیه از ائمه (ع) برای حفظ تشیع صادر شد که ما در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

امام باقر (ع) می فرماید: «ترک تقیه مثل ترک نماز است».^۳ امام صادق (ع) می فرماید: «برای حفظ دینتان تقیه کنید و آن را با تقیه زیر پرده نگاه دارید؛ زیرا هر که تقیه ندارد، دین ندارد. شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگانید».^۴

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) وارده شده است که می فرماید: «از پدرم امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود: هیچ چیزی روی زمین نزد من از تقیه دوست داشتنی تر نیست. ای

^۱ ابوالفرج اصفهانی، الأغانی: ص ۱۵۰.

^۲ خوارزمی، مکاتیب: ص ۱۶۶.

^۳ بحار الأنوار: ج ۶۷، ص ۱۰۳، ح ۲۱.

^۴ اصول کافی، ج ۳، ص ۳۰۸، باب تقیه، حدیث ۵.

حبیب! هرکس تقیه کند خدا او را بالا برد و هرکس تقیه نکند خدا او را پست کند.^۱

۳ - فشار تبلیغاتی

ظلم و ستمی که به شیعه و ائمه علیهم السلام روا داشته شد مظلومیت آنها را برای امت اسلامی معلوم و مشخص کرد. این مظلومیت به خصوص پس از واقعه کربلا، در کنار حقانیت اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها، موجب محبوبیت آنان در جامعه اسلامی شد. همین مسئله در پیشرفت و گسترش تشیع نقش مهمی داشته است.

در وادی تبلیغات، ائمه و شیعیان با مشکل دیگری نیز روبه‌رو بودند: از یک‌سو، پیدایش گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی و کلامی که نتیجه جهالت امت نسبت به حقیقت اسلام بود و احیاناً برای ایجاد خطوط موازی در کنار تشیع از طرف حکام تأسیس یا تقویت می‌شدند و از سوی دیگر، گسترش اسلام و برخورد مسلمانان با افکار مختلف، سؤالات و اشکالات متعددی را متوجه اسلام، به خصوص تشیع می‌کرد.

ائمه و اصحاب آنها و بعداً علمای شیعه، خود را موظف می‌دیدند که به این سؤالات و اشکالات پاسخ دهند و معارف اسلامی را براساس اصول، حفظ و اشاعه دهند. بنابراین، نیرو و توان شیعیان در این وادی صرف می‌شد در نتیجه، تاریخ - که در مقایسه با فقه و معارف اسلامی از اهمیت کمتری برخوردار بود - متروک ماند و کمتر به آن پرداخته شد. نگاهی به آثار به‌جا مانده از بزرگان شیعه در باب فقه و معارف گویای این حقیقت است.

این‌ها بعضی از موانعی بود که از خارج بر سر راه تاریخ‌نگاری شیعه قرار گرفت و بر آنها تحمیل شد؛ اما همان مقدار آثاری هم که از شیعیان باقی مانده و نگاشته شده نقاط ضعفی دارد که به آنها اشاره می‌شود:

۱. یکی از این نقاط ضعف این است که مورخان ما بیشتر متوجه مسائل اعتقادی بوده و حداکثر کوشش خود را درباره امامت ائمه علیهم السلام و فضایل و معجزات آنها مبذول داشته و از اختصاص دادن فصلی به مسائل سیاسی زمان ائمه علیهم السلام و کیفیت مبارزات جهادی آنها خودداری کرده‌اند، هرچند در خلال همین روایات و نقل معجزات و فضایل، مسائل تاریخی مهمی وجود دارد که تا حد زیادی می‌تواند مشکلات تاریخی را حل کند.

۲. در نقل حوادث، تنها به همان مقدار مورد نیاز اکتفا کرده و از نقل اصل واقعه به‌طور

^۱ همان: حدیث شماره ۴.

کامل خودداری کرده‌اند. در نتیجه مسائل، پراکنده، مشوش و درهم شده و مرتب کردن و ارجاع آنها به اصول، کوشش فراوانی می‌طلبد و کاری بسیار سنگین است.

۳. اهتمام نداشتن به رجال تاریخی از حیث توثیق و نبودن آن - که به رجال حدیث اهتمام می‌ورزند - در صورتی که اهمیت مسئله تاریخ کم نیست و انگیزه جعل و کتمان حقیقت در آن بیشتر از مسائل فقهی صرف وجود داشته است. بنابراین، اهتمام نداشتن به رجال تاریخ نقطه ضعف دیگری در تاریخ‌نگاری ماست و بسیاری از مؤلفان کتب تاریخی ما از حیث مذهب، مجهول الحال‌اند.

۴. در نقل وقایع تاریخی؛ مکان، زمان و مقارنات دیگر آنها ذکر نشده و در نتیجه، تعلیل، تحلیل و نتیجه‌گیری از این حوادث بسیار مشکل است.

۵. نقل روایات متضاد و متناقض در کنار هم بدون تحلیل و جمع بین آنها؛ این کار اگرچه فی حد نفسه، ارزشمند و ناشی از اهتمامی است که به حفظ احادیث می‌دادند؛ خود مشکلی است و برای حل آن باید زحمت کشید تا حقیقت را از میان آنها پیدا کرد.

با توجه به مجموعه مطالبی که ذکر شد، باید گفت علمای شیعه علی‌رغم همه مشکلاتی که بر سر راهشان وجود داشته، با ایثار و از خودگذستگی، نهایت سعی خود را کرده و در حد امکان، حقایق تاریخ را به ما منتقل کرده‌اند. با وجود این، در حال حاضر، ما به اندازه برطرف کردن مسائل و مشکلات فکری و دینی خود، مطالب تاریخی در اختیار داریم. با استفاده از همین موارد پراکنده، می‌توان تاریخ صحیح اسلام را بازسازی و ارائه کرد.

و در آخر هرچند امروزه دوران ستمگری و حق‌کشی علیه شیعیان سپری شده و شیعیان به‌خوبی می‌توانند عقاید مقدس و افکار مرفعی و تاریخ درخشان خود را به جهانیان معرفی کنند و نگذارند اشتباهات سابق چهره تاریخ آنها را مانند گذشته تاریک جلوه دهد؛ با این همه در هیچ عصری تلاش دشمنان اسلام، چونان امروز خطرناک و پیچیده نبوده است. آنان با طرح شعارهایی به‌ظاهر زیبا مانند آزادی بیان، حقوق بشر، صلح جهانی و ده‌ها عنوان ظاهر فریب دیگر و در کنار آن ناکارآمد نشان دادن تعالیم اصیل اسلامی با عناوینی مثل اصول‌گرایی و تحجرگرایی، مدت‌هاست اذهان کم‌اندیشان و ظاهرینان را به‌خود مشغول کرده‌اند. شاید هیچ مذهبی نباشد که به اندازه مذهب تشیع، علیه آن کتاب و مقاله نوشته شده باشد. و این هجمه‌ها به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده است. در کشور عربستان کتابی بنام *لله ثم للتاریخ* به زبان‌های مختلف از جمله فارسی چاپ شده که پر از دروغ علیه

شیعه است که صدهزار نسخه آن در کویت پخش شده است.

علت این همه هجوم علیه این مذهب مظلوم تاریخ را می‌توان در ماهیت ظلم‌ستیزی تشیع و تشیع‌گرایی در میان روشنفکران اهل تسنن دانست؛ چون مذهب تشیع به پیروی از امام اول خود، علی علیه السلام دشمن ظالم و یاور مظلوم است.^۱ در کتاب المتحولون که در سه جلد چاپ شده است، به اسامی و شرح حال کسانی می‌پردازد که شیعه شده‌اند. با این اوصاف عزیزان مبلغ، عزیزان مداح و تمامی کسانی که در امر فرهنگ‌سازی فرهنگ تشیع دست دارند، باید محتوای مطالبشان غنی و براساس نیاز جامعه باشد. معارف شیعه را به صورت منطقی تبیین کنند، در امر گزینش مسئولان وفادار به اصول تشیع نهایت دقت را به کار برند. زندگی مادی مردم تأمین شود و زندگی مسئولان و مردم در یک سطح باشد. مراسم عاشورا منطبق برواقعیت برگزار شود و مداحی‌ها در هر سطحی به صورت عقلایی انجام گیرد. (مبلغان: شماره ۹۲)

لزوم سال قمری

در قرآن مجید آمده است: همانا عدد ماهها نزد خدا در قرآن، ۱۲ ماه است، از آن روزی که خدا آسمان و زمین را آفرید، و از آن دوازده ماه، چهارماه ماههای حرام خواهند بود.^۲ و در سوره یونس آیه پنج آمده است که خدایی که آفتاب را درخشان و ماه را تابان قرار داد، و گردش ماه را در منازلی معین کرد تا بواسطه شماره سالها و حساب روزها (برای نظم معاش) بدانید، اینها را خدا جز بحق و مصلحت نظام خلق نیافریده، خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت بطور مفصل بیان خواهد کرد.

براساس این آیات می‌توان گفت که سال باید قمری باشد. گذشته از این، تمام روزهای تاریخی ما مطابق با سال قمری است.^۳ و اگر راجع به مبدا تاریخ در قرآن ذکری به میان نیامده، دلیل بر آن نیست که از امور دینی نبوده و جز مقررات دین نیست، چه آنکه در قرآن همه احکام ذکر نشده و یا صراحتی ندارند. و اما اینکه در تواریخ آمده که مبدا تاریخ در سال ۱۷۰۰ ق در زمان عمر بن خطاب ولی باید گفت که بنابر نقل اکثر مورخین تعیین هجرت برای مبدا تاریخ

^۱ نهج البلاغه: نامه ۴۷.

^۲ سوره توبه آیه ۳۶.

^۳ تحقیق در مورد تاریخ هجری ص ۱۴.

اسلامی بدستور امام علی علیه السلام بوده^۱، و بعلاوه مکتوبی از آن حضرت در زمان پیامبر در دست است که در آخر آن بتاریخ ۹ هجرت، تاریخ گذاشته است.^۲ قابل ذکر اینکه ملل متمدن نوعاً دو نوع سال دارند و لازم نیست سال ما محصور به یک نوع باشد. و از مدتها قبل در ایران و ترکیه برای گرفتن مالیات و غیره، دو نوع سال رایج بوده و در تاریخ نیز دو نوع بودن سال مالیاتی با سال معمولی مشاهده و امری سابقه دار است.

www.ketab.ir

^۱ تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۳۲ - التنبیه والاشراف ص ۲۵۲ - تاریخ ابن اثیر ج ۲ ص ۵۲۶ - بحار ج ۵۸ ص ۳۵۰ و ۳۵۱ - تاریخ ابن

عساکر ج ۱ ص ۲۹۰ - مناقب ابن آشوب ج ۲ ص ۱۵۰

^۲ فتوح البلدان ج ۱ ص ۲۸۸ - مکاتیب الرسول ج ۱ ص ۲۹۰